

بررسی تطبیقی تواضع از نگاه خواجه عبدالله انصاری در «منازل السائرین» و بحیابن یاقودا در «الهدایة الی فرائض القلوب»

کچھ سیدعلی مستجاب‌الدعواتی / پژوهشگر پسادکتری گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

sa.mostajaboldavati@theo.ui.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-4805-5305

majd@ltr.ui.ac.ir

مجید صادقی حسن‌آبادی / دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

چکیده

«تواضع» از جمله فضایل برجسته اخلاقی در ادیان بیهود و اسلام است که خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ق) عارف مسلمان در «منازل السائرین» و بحیابن یاقودا عارف بیهودی معاصر وی در «الهدایة الی فرائض القلوب» آن را از جمله ابواب سلوکی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش که بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که این دو عارف با وجود اشتراک در تعریف «تواضع»، درباره جایگاه، شرح و چگونگی تقسیم‌بندی آن اختلاف دارند. خواجه «تواضع» را در جایگاه سی و هشتم از منازل یکصدگانه سلوکی به سوی توحید قرار داده، و حال آنکه ابن‌یاقودا آن را باب ششم از ابواب ده‌گانه به محبت الهی معرفی کرده است. خواجه که بنیان سلوکی خود را بر کتاب و نقل استوار ساخته، در بیان مختصر خود، تواضع را براساس درجه سالکان به سه درجه عامه، خاصه و خاص‌الخاص تقسیم نموده که در اولین گام با فروتنی در برابر علم شرعی و عمل تعبدی به احکام دین همراه است، اما ابن‌یاقودا در قالب بیانی مبسوط و متأثر از منابع اسلامی، با تأکید بر استفاده از سه منبع عقل، کتاب و نقل، علم شرعی را برای صاحبان تمیز کافی ندانسته و تواضع عام را نوعی ضعف نفس به شمار آورده است.

کلیدواژه‌ها: تواضع، خواجه عبدالله انصاری، منازل السائرین، بحیابن یاقودا، الهدایة الی فرائض القلوب.

«تواضع» در لغت به معنای «فروتنی و شکسته‌نفسی» (ابن‌منظور، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۹۷، ذیل «وضع») و در اصطلاح از ارزش‌های والای انسانی و به این معناست که انسان برای خود امتیازی بر دیگران قائل نشود و با سخن و رفتار خود آنها را گرامی بدارد (نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹).

هرچند در قرآن کریم واژه «تواضع» به‌کار نرفته، ولی موضوع آن را از واژه‌هایی مانند «هَوْن» (فرقان: ۶۳) و تعبیری همچون «حَفْضُ جَنَاح» (شعراء: ۲۱۵) و لزوم آن را از آیاتی که در آنها نقطه مقابل آن، یعنی «تکبر» مذموم دانسته شده (مانند: مریم: ۱۴؛ لقمان: ۱۸؛ اسراء: ۳۷)، می‌توان برداشت کرد.

در روایات اسلامی نیز ابزار خرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۱۲)، رفعت (همان، ج ۷۵، ص ۱۲۰) و دوستی (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷) دانسته شده است.

در تعبیر عرفای مسلمان، «تواضع» دلیل بودن دل‌ها و موافقت با حق دانسته شده (کلاباذی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۷)، همچنین از نشانه‌های فوت (سلمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۷۰) و ثمره خشوع معرفی گردیده و به خواری بنده در برابر عظمت حق تعریف شده است (بقلی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۳۱).

از سوی دیگر، در آیین یهود، تواضع و فروتنی از جمله دستوره‌های خداوند (میکا، ۸:۶)، بزرگ‌ترین فضیلت و سبب عزت (امثال، ۲۹:۲۳) خوانده شده است که توسط خداوند پادشاه داده خواهد شد (میشنا، اروین، ب ۱۳: شبات، الف ۱۰۴). نقطه مقابل آن، «عُجْب» و «تکبیر» زمینه‌ساز نابودی (امثال، ۱۶:۱۸) و سبب خواری (امثال، ۲۹:۲۳) و در شمار بدترین ردایب است.

ربی یونانین ابراهیم جیروندی (Yonah ben Abraham Gerondi; 1200-1263) در رساله خود به نام «دروازه‌های توبه» (Shaarei Teshuva) ضمن تأکید بر ضرورت فروتنی، عُجْب و تکبر را «کشتزار شرارت» می‌داند که تمایلات شیطانی فرد را شدت می‌بخشد (نلسون، ۱۹۸۵، ص ۳۰۲).

ربی لوزاتو (Moshe Chaim Luzzatto; 1707-1746) نیز در رساله «راه راست» (Mesillat Yesharim: The Path of the Upright) به مخاطبان خود در خصوص عُجْب و تکبر هشدار داده و جلوه‌های مختلف آن را برشمرده است (لوزاتو، ۱۹۴۸، ص ۴۷).

خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ق) مسلمان و بحیابین پاقودای یهودی دو عارف معاصرند که به صورت اصولی مفهوم و حقیقت «تواضع» و جایگاه آن را در سلوک عرفانی تبیین کرده‌اند.

منازل السائرين خواجه عبدالله انصاری که ۲۷ سال پس از نگارش صد میدان به خواهش مریدان در تدوین منازل طریقت املا شده، روایتگر پختگی وی در سلوک عرفانی است. این کتاب که به زبان عربی نگارش یافته، مشتمل بر یک خطبه و ده قسم است که هر قسم شامل ده باب و هر باب متناسب با درجات سالکان، شامل سه مرحله عامه، خاصه (سالک) و خاص‌الخاص (محقق) است. کتاب با قسم «بدایات» و باب «یقظه» آغاز می‌شود و به قسم «نهایات» و باب «توحید» می‌انجامد (انصاری، ۱۳۷۳، ص ۱۱).

از سوی دیگر، ابواسحاق بحیابین یوسف بن پاقودا (Bahya ben Joseph ibn Paqūda) عارف یهودی

اهل اندلس که در نیمه دوم سده پنجم و اوایل سده ششم هجری قمری (دوازدهم میلادی) می‌زیسته (لوبل، ۲۰۰۷، مقدمه) در زمره برجسته‌ترین الهی‌دانان سفارادی (Sephardi Jews) در عصر مزبور، صاحب تألیف ارجمند *الهدایة الی فرائض القلوب* به زبان عربی و مشحون از عبارات عبری است. وی در این رساله که با محوریت تورات و سنت ربانی یهود و متأثر از منابع اسلامی تألیف شده، مخاطبان را به تفکر درباره نیتی که در پس هر عمل شرعی نهفته است، فراخوانده و منازل سلوکی را از توحید آغاز و به عشق خداوند ختم می‌کند. مطالعات نگارندگان نشان می‌دهد آثاری که پیش از این پژوهش انجام پذیرفته و به نوعی با موضوع این جستار در ارتباط است، از قرار زیر است:

مقاله «بررسی تطبیقی زهد از نگاه خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین و بحیابین باقودا در الهدایة الی فرائض القلوب» (خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۹)؛ نویسندگان در این اثر، مرتبه «زهد» را نزد این دو عارف بررسی نموده‌اند. مقاله «اندیشه‌های عرفانی - اخلاقی ابن‌پاقودا و غزالی با تأکید بر دو اثر الهدایة الی فرائض القلوب و احیاء علوم الدین» (جعفری و حاج‌ابراهیمی، ۱۴۰۰)؛ نویسندگان قربات اندیشه‌های دو عارف را نتیجه گرفته و اخلاقیات هر دو را از جنس تصوف مبتنی بر زهد دانسته‌اند.

با توجه به نبود پژوهشی مستقل در این زمینه، انجام این تحقیق که با روش «توصیفی - تحلیلی» و با هدف تبیین مفهوم کلیدی «تواضع» از نگاه دو عارف برجسته هم‌عصر، از دو دین بزرگ ابراهیمی و شناخت جایگاه منابع دینی (و برون‌دینی درخصوص عارف یهودی) در تنظیم ساختمان سلوک عرفانی این دو شخصیت صورت پذیرفته، ضروری به نظر می‌رسد.

۱. تبیین جایگاه تواضع نزد خواجه عبدالله انصاری

در منابع عرفانی «تواضع» خصلتی قلبی است که ریشه در سلامت دل دارد و در کردار و گفتار شخص ظاهر می‌گردد (ابوطالب مکی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸۲؛ نیسابوری مقری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۹۶). کلاباذی (د۳۸۵ق) تواضع را «لافتخار بالقلة» و «الاعتناق للذلة» و «تحمل أثقال أهل الملة» تعریف کرده است (کلاباذی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۷). «لافتخار بالقلة» یعنی: بنده به آن اندکی که خداوند برایش مقدر کرده است، مباهات نموده و از آن ابراز خشنودی کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۹؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۶۶). «الاعتناق للذلة» یعنی عزت حق را در ذلت خود بدارد و «تحمل أثقال أهل الملة» به این معناست که در برابر مشقت خلق، بردباری ورزد تا مشمول عنایت حق گردد (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۲۶۳).

عزالدین کاشانی «تواضع» را «وضع نفس خود با حق در مقام عبودیت و با خلق در مقام انصاف» معرفی نموده که در قبال حضرت حق، در سه درجه قابل تبیین است: تواضع مبتدیان که اطاعت از اوامر و نواهی حضرت حق است؛ قبول تجلیات صفات در قلب با فنای مشیت خود در مشیت حق که تواضع متوسطان است؛ و قبول تجلی ذات در روح با فنای وجود خود در وجود مطلق که مقام منتهیان در تواضع است.

او برای تواضع در قبال خلق، سه مؤلفه بیان می‌کند: پذیرش حق و رعایت انصاف و تسلیم به جای ستیزه‌جویی؛ رعایت حقوق دیگران و تقدّم آنها بر خود؛ و ترک تکبر و توقع رعایت حق مرتبه خود از ایشان. همچنین تواضع را عین عزت می‌داند؛ زیرا عزت طریق میانه خودپسندی و فرومایگی است (کاشانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۱-۳۵۳).

غزالی بر این نظر است که انسان نباید خود را اهل فروتنی و خالی از خود بزرگ‌بینی بداند. چه بسا در نفس او تکبر نهفته باشد (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۶۹). به نظر او «تواضع» کسی است که سخن حق را از زبان هر گوینده‌ای می‌پذیرد، خود را بر دیگران مقدم نمی‌شمرد، در سلام کردن بر دیگران پیشی می‌گیرد و دیگران را به کارهای شخصی خود وانمی‌دارد (شبر، ۱۹۶۳، ج ۱، ص ۱۷۶).

خواجه عبدالله انصاری «تواضع» را پس از منزل «خلق» و پیش از منزل «فتوت» در جایگاه سی و هشتمین منزل و در قسم «اخلاق» رساله خود گنجانده که از مراحل متعالی سلوک عرفانی اوست. وی در قسم «اخلاق»، به دنبال رساندن سالک به منزل انبساط است که گشاده‌دلی و گشاده‌رویی را به همراه دارد. هنگامی که سالک همه منازل قسم پیشین (معاملات) را به سلامت طی کرد، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا فضایل و هیأت‌های راسخ مثبت نفسانی در نفس سالک پدید آید. نفس با دستیابی به فضایل اخلاقی، جلا می‌یابد و نفس جلا یافته، سیر و سلوک را آسان‌تر ادامه خواهد داد. پس سالک به اخلاق خدایی می‌رسد.

منزل اول این بخش «صبر» است. همان‌گونه که خدای بزرگ صبر بسیار والایی دارد، سالک نیز با کمال صبر به «رضا» می‌رسد، از هر جهت، از خدایش راضی است و شکر رضا را دارد. به این مرتبه که رسید، به منزل «حیا» می‌رسد. از خدا حیا دارد تا درخواستی کند. با آرامش نفس به منزل «صدق» می‌رسد و می‌تواند ایثار کند. با ایثار، مالی را که در دست دارد به خلق خدا می‌دهد؛ زیرا خلق خدایی دارد و به بندگان خدا ایثار می‌کند، آن هم با تواضع، تا با جوانمردی به منزل «انبساط» برسد (روزبهانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۱) و در مرتبه آخر با دیدن بسط حق، انبساطش «محو» شود (اسعدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴ و ۲۶۴).

خواجه معتقد است: «تواضع» یعنی اینکه بنده خود را در برابر صولت حضرت حق ببیند (انصاری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳) و در مقابل حکم، سلطنت و تجلی او فروتنی ورزد (طارمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵). وی در تبیین منزل «تواضع» به این آیه کریمه استشهد می‌کند: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان: ۶۳)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که بر روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند. این فروتنی و تذلل تواضع برای حضرت حق است (کاشانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۲).

بالاترین مرتبه اسماء الهی در تعیین ثانی، یعنی مرتبه تفصیلی اسماء و صفات الهی، اسم «الله» و اسم «الرحمن» است. «عباد الرحمن» بندگان عالی‌ترین و کلی‌ترین اسم الهی‌اند. خداوند این بندگان را چنین معرفی کرده که با نرمی و فروتنی روی زمین راه می‌روند؛ یعنی «تواضع» را برجسته‌ترین ویژگی ایشان ذکر کرده که نشان‌دهنده اهمیت تواضع است (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۳۳۸).

۱-۱. درجات تواضع

در نظر خواجه، سه درجه تواضع چنین است: ۱. فروتنی در برابر دین؛ ۲. فروتنی در برابر خلق؛ ۳. فروتنی در برابر حق.

الف. تعبد به امر و نهی از روی طاعت و انقیاد

درجه اول «تعبد است به امر و نهی از روی طاعت و انقیاد» (طارمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴)؛ به این معنا که انسان بدانند خداوند بزرگ که آفریننده عالم و آدم است، حکیم است و آموزه‌های دینی را نیز حکیمانه در اختیار انسان‌ها قرار داده است. بنابراین انسان احکامی از دین را که عقل از درک آنها عاجز است، با ایمان و تعبد بپذیرد و با عقل بشری خود به ستیز با دین نپردازد (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۳۳۸)؛ زیرا عبودیت محض امتثال حکم است بی آنکه علم آن حکم طلب شود، و عمل براساس امر است بی لحظه‌ای درنگ، و هیچ توفقی با مقتضای تعبد و اطاعت سازگار نیست (تلمسانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۴).

همچنین باید دین را با اعتقاد صحیح و ایمان محض بپذیرد، نه اینکه به دنبال دلیل برای مسائل آن بگردد و چنان ایمانش را قوی گرداند که در باطن خود راهی به سوی خلاف حکم شرع و نقص امری از امور دین نیابد (طارمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶).

محقق کاشانی در شرح بیان خواجه تصریح می‌کند که شرط صحت مراتب این درجه از تواضع آن است که شخص معتقد باشد نجات او در علم شرعی است، نه علم عقلی و به مقتضای آن عمل کند (کاشانی، ۱۳۸۵، ص ۴۰۴).

ب. فروتنی در برابر برادران دینی

درجه دوم تواضع «فروتنی شخص در برابر برادران دینی خود» است؛ یعنی سالک با هم‌کیش خود فروتنی ورزد؛ زیرا مقام وی در برابر حق تعالی برای او پوشیده و قید «اسلام» بدین سبب است که تواضع مسلمان برای کافر جایز نیست (طارمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷). سالک در این درجه باید حقوق دشمن خود را ادا کند و همچنین عذر بدی‌کننده را بپذیرد و او را عفو نماید (تلمسانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۶۷).

ج. فروتنی در برابر حق

درجه سوم تواضع «فروتنی در برابر حق» است. در این درجه توحیدی، شخص تواضع خود را نمی‌بیند، خود، فروتنی خود و اندیشه خود را فیض حق تعالی می‌بیند و همه را در خدمت او قرار می‌دهد (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۳۳۸)؛ زیرا تا وقتی سالک از هرگونه تعلق‌رهایی نیابد، در معرض نور تجلی حق قرار نمی‌گیرد (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۲).

در این درجه سالک باید از نفس و هرآنچه تابع آن است، تنزل کند. در خدمت و عبادت حضرت حق، رأی و عقل خود را رها نماید؛ از فواید و بهره‌مندی‌های خود و هر چه خدمت او به درگاه حق ناقص می‌کند (مثل کثرت

اکل و نوم و شهوت و غفلت و ریا و طلب جاه و مقام) دوری نماید؛ و به مجرد عبودیت و طاعت بپردازد تا خداوند او را خالص و پاک گرداند (طارمی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۰).

چنان که بیان شد، خواجه در یک درجه‌بندی سه‌گانه، ناظر به مراتب سه‌گانه سلوکی سالکان، منزل «تواضع» را با فرو نهادن علم عقلی و التزام به عمل متعبدانه، فروتنی در برابر برادران دینی و ترک تعلقات نفسانی و عبودیت محض تشریح نموده است.

۲. تبیین جایگاه تواضع نزد بحیابن یاقودا

ابن یاقودا «عُجَب» و «تکبر» را مهم‌ترین آفت در عمل خالصانه می‌داند که اعمال را به شدت فاسد می‌کند. از این رو باب «تواضع» را پس از باب «اخلاص» قرار داده است (ابن یاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۶۷). به نظر *ابن یاقودا* شخص وقتی واجبات را انجام می‌دهد که به طاعت الهی ملتزم شود؛ وقتی به طاعت ملتزم می‌شود که به جمیع صفات ربوبی واقف گردد؛ و آن صحیح نیست، مگر وقتی که به صفات عبودیت ملتزم شود، و بندگی مستلزم صدق تواضع و خضوع و خشوع است. پس جمیع فضایل و فرائض تابع «تواضع» است و این صفت مبدأ همه آنهاست. از این رو هر که قلبش از تواضع خالی شود هیچ فضیلتی از او صحیح نیست؛ زیرا در نفسش عُجَب و تکبر ساکن است و به همین سبب، خضوع، خشوع و تواضع رأس توبه است (همان، ص ۲۹۱-۲۹۲).

۱-۲. چیستی تواضع

ابن یاقودا «تواضع» را معادل خشوع، کم‌مقدار شمردن، و فروتنی نفس دانسته و معتقد است: این ویژگی عادت‌های عادات نفس است که اگر قدرت گیرد آثارش بر جوارح ظاهر می‌شود. همچنین نرمی سخن، سخن گفتن با صدای آهسته و فروخوردن خشم از مصادیق تواضع است (ابن یاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۶۹). در کتاب «امثال» آمده است: «ترس از خداوند، مربی حکمت است و تواضع پیشرو عزت» (امثال، ۱۵: ۳۳).

۲-۲. اقسام تواضع

در بیان *ابن یاقودا*، تواضع بر سه قسم است:

۱-۲-۲. تواضع عام

در حقیقت، گونه‌ای از ضعف نفس است که در عوام و جهال که در سطح نازل معرفت و ضعف قوه تمییز به سر می‌برند، وجود دارد و آن صبر کردن بر ضرری است که امکان دفع آن وجود دارد و به سبب جهل نسبت به طریق دفع، درباره آن اقدامی نمی‌شود.

۲-۲-۲. تواضع نسبت به مردم

تواضع نسبت به مردم است، خواه برای اینکه بر او مسلط شده‌اند (مانند عبدی که در پیشگاه مولاست)، یا اسیری که در دست دشمن گرفتار است، یا حاجتمندی نسبت به کسی (مانند اجیر نسبت به مستأجر و دانش‌آموز نسبت به

آموزگار) یا به سبب حق لازم و دین واجبی که امکان پرداخت آن را ندارد و نسبت به صاحب آن فروتنی می‌کند، یا به سبب ناتوانی در راهیابی به هدایت نسبت به پیامبر عصرش یا ولی مرشد، یا کسی که او را به راه صحیح راهنمایی می‌کند.

این گونه تواضع اگرچه لازم است، لیکن از جمله فضایل عالی نیست؛ زیرا با از بین رفتن موضوع - مثلاً غیبت استاد یا ثروتمند شدن فقیر - دیگر ضرورتی ندارد.

۲-۳-۲. تواضع برای خدا

این درجه عالی تواضع و بر همگان و در همه مکان‌ها و زمان‌ها واجب است. متواضع در تورات با عناوین «فقیر»، «فقیر»، «دلیل»، «خائف» و مانند آن خوانده شده است (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۷۱-۲۷۲). در کتاب «امثال» آمده است: «ثمره تواضع و ترس از خداوند، ثروت است و عزت و حیات» (امثال، ۲۲:۴).

۲-۳-۳. راه‌های اکتساب تواضع

به نظر ابن‌پاقودا انسان با تفکر در هفت جایگاه می‌تواند به تواضع دست یابد:

۱. اصل وجود و مبدأ پیدایش خود؛
۲. ناتوانی در مقابل رنج و محنت‌های دنیوی؛
۳. مرگ، جایگاهش در قبر و احوال آن؛
۴. تقصیر خود در طاعت و اعراض از شریعت و در نتیجه درماندگی در روز قیامت و پشیمانی در موقف جزا؛
۵. شکوه خالق، نفوذ قدرتش و آگاهی بر ظواهر و بواطن و کوچکی انسان؛
۶. هنگام تلاوت کتاب خدا و آشنایی با مجازات ترسناک او برای اهل تفاخر و توجه خاص او به اهل تواضع؛
۷. توجه به کیفیت و سرعت دگرگونی احوال خلق در دنیا و بازگشت همگان به سوی خدا (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۷۷-۲۸۲).

۲-۴. آفات تواضع

ابن‌پاقودا با ذکر هفت راه برای کسب تواضع و تسهیل نیل به آن، «عُجَب» و «تکبر» را از جمله آفات نفس معرفی نموده و معتقد است: با تفکر در سه چیز می‌توان خود را از این لغزش دور ساخت: «بدان از کجا آمده‌ای؟ به کجا می‌روی؟ و نزد چه کسی محاسبه می‌شوی؟» (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۸۲).

این سخن ابن‌پاقودا ظاهراً اقتباس از بخش سوم رساله *پیرقه‌آوت*، کتاب *میثنا* است (دنبی، ۱۹۳۳، ص ۴۵۱)، هرچند مشابه روایتی است که در متون اسلامی، مشهور و منسوب به حضرت علی علیه السلام است. آن حضرت می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَةً أَعَدَّ لِنَفْسِهِ وَ اسْتَعَدَّ لِرَمْسِيهِ وَ عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۶)؛ رحمت خدا بر کسی باد که مقدمات تربیت و تعالی نفس خود را آماده سازد و خود را برای عالم قبر آماده کند و بداند که از کجا آمده و در کجاست و به کجا می‌رود.

صدرالمتألهین (د۰۵۰۵ق) در شرح این روایت بیان می‌دارد: معرفت اول، معرفت خداوند، ملائکه، پیامبران و کتب ایشان است. معرفت دوم، معرفت نفس، عبودیت و کیفیت سلوک آن در راه نجات و مسیر آخرت است، و معرفت سوم علم به احوال معاد و منازل آن از قبر، صراط، میزان، کتاب، بهشت و جهنم است. نیل به این معرفت‌ها با پشتیبانی عقل ممکن است (صدرالمتألهین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷۱).

۲-۵. فواید تواضع

ابن‌پاقودا بر این باور است که فروتنی سه بهره در دنیا و سه نتیجه در آخرت به دنبال دارد.

۱-۵-۲. فواید دنیوی تواضع

- قناعت به روزی که آرامش نفس را به دنبال دارد؛

- صبر در برابر بلاها؛

- اقبال مردمی و محبت ایشان به او.

ایشان فواید دنیوی تواضع است؛ مانند اینکه «شخص درستکار از خوراکی که دارد، می‌خورد و سیر می‌شود؛ ولی آدم بدکار گرسنگی می‌کشد» (امثال، ۱۳:۲۵).

ابن‌پاقودا نقلی می‌آورد که از بعضی علما پرسیده شد: چگونه سرور معاصران خود شدی؟ جواب داد: من هیچ‌کدام از آنها را ندیدم، مگر اینکه او را برتر و داناتر از خود دانستم؛ با خود گفتم: او فرمانبردارتر از من است؛ چون علمش بر عمل من برتری دارد. اگر علمش کمتر بود، با خود گفتم: او در قیامت حساب راحت‌تری دارد؛ چون من از روی قصد خدا را معصیت کرده‌ام و او سهواً مرتکب عصیان شده است. اگر بزرگ‌تر از من بود با خود گفتم: او حسنات بیشتری انجام داده است؛ چون سن بیشتری دارد. اگر کوچک‌تر بود با خود گفتم: او گناهان کمتری مرتکب شده است. اگر در سن و علم، مانند من بود، گفتم: شاید نسبت به من ضمیر پاک‌تری دارد؛ چون من به گناهان خودم واقفم و به اعمال او آگاهی ندارم. پس پیوسته به اکرام و تواضع نسبت به ایشان پرداختم (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۹۵-۲۹۶).

مشابه این عبارات *ابن‌پاقودا* در منابع اسلامی وجود دارد: امام محمدباقر علیه السلام از امام زین‌العابدین علیه السلام حکایت می‌نماید: «روزی یکی از اصحاب آن حضرت با نام *رُهری*، پریشان بر ایشان وارد شد و نسبت به اینکه به دوستانش بدبین شده بود، به حضرت عرض حال کرد. حضرت پیشنهادهایی به *رُهری* فرمودند، تا آنجا که عرضه داشت: اگر شیطان تو را به خودبرتربینی نسبت به یکی از مسلمانان اغوا نمود، برای رهایی از این وسوسه، درباره آنکه از تو بزرگ‌تر است بگو؛ او سابقه ایمان بیشتری دارد و در عمل صالح موفق‌تر از من بوده است؛ پس او افضل است. اگر از تو کوچک‌تر بود بگو: من از او گناهکارترم و او از من برتر است. درباره کسی که هم‌ردیف توست بگو: من یقین به گناهکار بودن او ندارم؛ پس از او برتر نیستم. و اگر در جامعه با این روش برخورد نمایی، دوستان بسیاری خواهی داشت و دشمنان تو اندک خواهند شد» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۰۹-۲۱۱).

۲-۵-۲. فواید اخروی تواضع

اول آنکه انسان متواضع به درک علم و پیروی از علما و تواضع نسبت به آنها نزدیک تر است، در حالی که متکبر به حقیقت علم و معرفت دست نمی‌یابد.

دوم اینکه متواضع با تلاش و طمع به اعمال عبادی خویش می‌پردازد، و حال آنکه مغرور در اعمال عبادی کندی می‌ورزد.

سوم آنکه عمل متواضع مقبول خداست و گناهانش آمرزیده می‌شود. در مقابل، «خداوند از هر که تکبر ورزد، کراحت دارد. یقین بدان که چنین کسی بی‌سزا نخواهد ماند» (امثال، ۱۶:۵).

۲-۶. سیرت متواضعان

ابن‌پاقود معتقد است که متواضع باید ده ویژگی داشته باشد:

۱. عالم بالله و صفات حسناى او باشد.
۲. کتاب خدا را بخواند. عالم به معقول، منقول، مکتوب و لوازم شریعت باشد.
۳. در برابر اقوال و افعال مکروه، سعه اخلاق و صبر داشته باشد؛ زیرا «با شکیبایی حاکمی را مجاب توان کرد و با زبان نرم استخوان را توان شکست» (امثال، ۲۵:۱۵).

۴. نیکو رفتار و خوش گفتار باشد، اهل غیبت و بدگویی نباشد.

ابن‌پاقود از بعضی صالحان یاد می‌کند که بر لاشه بدبوی سگی عبور می‌کرد. هنگامی که شاگردان از تعفن جسد سخن گفتند، او به دندان‌های سپید سگ اشاره کرد و به شاگردان آموخت که می‌توان کلام نیکو را برگزید و نیک اندیشید. البته این قصه معروف حضرت عیسی علیه السلام با حواریان است:

وَرُؤِىَ أَنْ عَيْسَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ وَالْحَوَارِيُّونَ عَلَى جَيْفَةِ كَلْبٍ، فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: مَا أَتَنَّنَ رِيحَ هَذَا الْكَلْبِ. فَقَالَ عَيْسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا أَشَدَّ يَبَاضَ أَسْنَانِهِ»؛ كَأَنَّهُ نَهَاهُمْ عَنْ غِيْبَةِ الْكَلْبِ (ر.ک: ورام‌بن ابی‌فراس، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۷).

۵. در همه امور ظاهری و باطنی دنیا، کردار و گفتارش تواضع پیشه کند، پیشینیان گفته‌اند: «نزد مردم فروتن باش» (دینی، ۱۹۳۳، ص ۴۵۵).

۶. در امور آخرت خود، بلندهمت و کوشا باشد. عملش را اندک بشمارد و تلاش وافر کند.

۷. در برابر مردم متواضع بوده و در خلوت و آشکار، خودبپریرینی و تکبر نداشته باشد؛ زیرا «با تکبر، شرمساری می‌آید» (امثال، ۲:۱۱).

۸. به‌منظور کوچک کردن نفس و ریاضت دادن آن بر امیال جسمانی و ادای هر چه بهتر حقوق الهی، در خوراک به آنچه ممکن است قناعت کند.

۹. دشمن ظالم و یاریگر مظلوم باشد. خداوند به خاندان پادشاه پهودا که از نسل حضرت داود علیه السلام هستند،

چنین می‌فرماید:

به هنگام داوری، همواره با عدل و انصاف قضاوت کنید. از مظلوم در مقابل ظالم حمایت کنید. در غیر این صورت،

خشم من به سبب شرارتان افروخته خواهد شد و کسی نخواهد توانست آن را خاموش کند (ارمیا، ۱۱:۲۱).

با مردم اهل تسامح باشد و در امور خدا تساهل نکند. مردم را به طاعت الهی هدایت کند. به اندازه توان با عمل، زبان و قلب خود امر به معروف و نهی از منکر کند. حقوق الهی را از اهلش طلب کند و در آن فروتنی و شکیبایی نورزد. ۱۰. از روی تواضع و فروتنی کم سخن بگوید، صدای ملایم داشته باشد، کمتر شوخی کند، کمتر به خدا سوگند بخورد، راستگویی باشد که دروغ به زبانش نمی آید، به مجالس لهو وارد نشود و به اسباب شادی دنیوی عوام شاد نشود (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۸۳-۲۸۶).

۲-۷. نشانه‌های صحت تواضع

به نظر *ابن یاقود*، در پنج موقعیت می توان صحت فروتنی متواضع را دریافت:

۱۱. وقتی کسی به او با گفتار یا کردارش ستمی رواداشته و او به شدت خشمگین شده است، اگر بر میل نفس خود تسلط یابد و آنگاه که توان قصاص می یابد، فروتنی پیشه کند، تواضعش صحیح است. «شخص دیرخشم از دلاور بهتر است، و آنکه بر نفس خود مسلط باشد از فاتح شهر، برتر» (امثال، ۳۲:۱۶).

۱۲. آنگاه که آفتی در مال یا مصیبتی به خانواده اش می رسد، اگر قضای الهی را بپذیرد و به حکمش راضی شود، به حقیقت تواضع دست یافته است.

۱۳. وقتی به نیکی یا بدی از او خبری منتشر شود، اگر آنگاه که به مدح او می پردازند خود را خوار ببیند، عملش را کوچک تر از قبول خدا بیابد و به ستاینده بگوید که من شایسته مدح تو نیستم و نسبت به گناهانم آگاهم، و آنگاه که در برابر تقصیر خود مذمت می شود، آن را بپذیرد و اگر آنچه را به ناحق به او نسبت داده می شود با روی گشاده قبول کند، تواضعش صحیح است (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۸۶-۲۸۷).

ابن یاقود اهل تواضع را به ثبات در عمل متواضعانه تشویق نموده، در قبال مذمت های مردم، به جنبه اخروی این فعل توجه می دهد و از بعضی صالحان نقل می کند که وقتی اعمال بسیاری از مردم در قیامت به ایشان عرضه می شود، در نامه حسنات خود اعمال نیکی را می یابند که هیچ گاه انجام نداده اند. پس آن را منکر می شوند. به آنها گفته می شود: این اعمال (نیک) کسانی است که غیبت شما را می کردند و آبرویتان را می بردند. همچنین در سوی مقابل، غیبت کنندگان در نامه عملشان گناهانی را می بینند و آنها را انکار می کنند. پس به آنها گفته می شود: حسنات شما به خاطر غیبت از بین رفت و چون حسنه ای باقی نماند، به جای آن گناهان غیبت شونده گان در آن قرار گرفت (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۸۸).

این سخن از پیامبر اکرم ﷺ این گونه نقل شده است: «روز قیامت کارنامه عمل کسی را در پیشگاه خداوند به او می دهند، اما هر چه می نگرد اعمال نیک خود را در آن نمی بیند. پس اعتراض می کند. به او گفته می شود: پروردگار تو اهل خطا و فراموشی نیست؛ کردار تو به سبب غیبت کردن از مردم، از بین رفته است. شخص دیگری با دیدن کارنامه درخشان عملش، از وجود اعمالی که انجام نداده است متعجب می شود. پاسخ می شنود: این حسنات اعمال آن کسی است که از تو غیبت کرد» (شعیری، بی تا، ص ۴۱۲).

۱۴. آنگاه که نعمت فراوان خدا او را فراگیرد و از علم نیکو، فهم درخشان، ثروت سرشار یا عزت برخوردار شود و به آن مغرور نشود، به تواضع دست یافته است.

۱۵. وقتی مورد سرزنش و قصاص الهی قرار گیرد و درباره صاحب حق در اموالش به انصاف رفتار کند، به تواضع صحیح نایل آمده است (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۸۸-۲۹۰).

۳. تحلیل ساختار مرتبه تواضع با نگاه به آراء دو عارف

خواجه عبدالله انصاری «تواضع» را سی و هشتمین منزل سلوکی در قسم اخلاق، پیش از «فتوت» و پس از منزل «خلق» قرار داده، اما عارف بیهودی «تواضع» را ششمین باب از ابواب سلوکی خود پس از «اخلاص» و پیش از «توبه» معرفی نموده و رفتار متواضعانه را سبب حفظ اخلاص دانسته است (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۶۷). در این قسمت به بررسی مقایسه‌ای این باب نزد دو عارف می‌پردازیم:

۳-۱. تعریف «تواضع»

خواجه «تواضع» را اظهار کوچکی در مقابل عظمت حق تعریف می‌کند (کاشانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳)؛ گونه‌ای افتادگی و خاکساری که موجب تعالی انسان می‌شود (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵). ابن یاقود «تواضع» را عامل رفع تکبر و نافی اخلاص در انسان برشمرده و عادت‌ی از عادات نفس دانسته که اگر نیرو بگیرد، آثارش بر جوارح انسان آشکار می‌گردد. به نظر ابن یاقود، تواضع پایه بندگی است که به وسیله آن، اقرار به توحید خداوند ممکن می‌شود (ابن یاقود، ۲۰۱۰، ص ۲۶۷). همان گونه که مشخص است، مفهوم «فرو نهادن» و خود را کوچک نشان دادن» در هر دو تعریف آمده است، جز آنکه خواجه آن را در مقابل عظمت حق می‌داند و ابن یاقود آن را زمینه اظهار توحید برمی‌شمرد.

۳-۲. مراتب تواضع

خواجه عبدالله تواضع را به سه درجه تقسیم نموده است:

۲-۳-۱. تواضع در برابر دین

«تواضع در برابر دین» آن است که بنده با معقول به معارضه منقول نرود، ادله علم شرعی را زیر سؤال نبرد و در مخالفت با شرع راهی نبیند. بنده باید نجات را در علم منقول شرعی بداند و آگاه باشد که پایداری در سلوک پس از اطمینان به علم شرعی محقق می‌شود.

۳-۳-۲. تواضع در برابر مسلمانان

«تواضع در برابر مسلمانان» برادری با مسلمانان و ادای حقوقی که دیگران مطالبه می‌کنند (حتی اگر محق نباشد) و پذیرش عذرخواهی دیگران است.

۳-۳-۳. تواضع در برابر حضرت حق

این کار با انجام عبادت مطابق دستور شرع، در نظر نگرفتن حقی برای خود در قبال بندگی، و رها کردن نفس خود با هدف فزونی آن از سوی حق در هنگام تجلی صورت می‌گیرد (انصاری، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳-۱۳۶).

در سوی دیگر، *ابن‌پاقودا* که در این باب نیز به بیان تفصیلی مراتب سلوکی خود ادامه می‌دهد، اقسام تواضع را بررسی می‌کند، اسباب میل به تواضع، موجبات تواضع، راه‌های کسب تواضع، سیرت متواضعان، نشانه‌های صحت تواضع و فایده تواضع را تبیین می‌نماید. تقدم و تأخر «تواضع» و فضیلت و بحث درباره امکان اجتماع «عُجب» و «تواضع» از دیگر فصول این باب سلوکی او هستند.

در بیان *ابن‌پاقودا* انسان به علل گوناگون به تواضع روی می‌آورد؛ ضعف قوا، فقر، ابتلا به سختی‌ها و گرفتاری‌ها، نزدیکی مرگ و مانند آن، همگی اسباب میل به تواضع هستند (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۷۳-۲۷۴). اما در معاشرت با دیگران، دیدار علما، هنگامی که ستایش می‌شود و در انجام تکالیف عبادی باید تواضع پیشه کند (همان، ص ۲۷۵-۲۷۷).

۴-۳. اقسام تواضع

به نظر *ابن‌پاقودا* تواضع بر سه قسم است:

۱. تواضع عام که - در حقیقت - گونه‌ای از ضعف نفس است؛ صبر کردن بر ضرری است که دفع آن امکان‌پذیر است و به علت عدم شناخت طریق دفع، اقدامی درخصوص آن صورت نمی‌گیرد.
۲. تواضع نسبت به مردم به هر سببی که باشد، خواه سلطه، خواه فقر، خواه دین و مانند آن.
۳. تواضع برای خدا که بر همگان تکلیف است.

ابن‌پاقودا گونه‌های اول و دوم تواضع را عادت پسندیده و در زمره فضایل نمی‌داند، ولی از قسم سوم به‌مثابه درجه عالی تواضع نام برده است (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۷۱-۲۷۲).

همچنان که مشخص است، دو قسم اخیر در تقسیم *ابن‌پاقودا*، در تشابه با درجات دوم و سوم تواضع در بیان خواجه است؛ اما قسم نخست تواضع در نگاه *ابن‌پاقودا* گونه‌ای ضعف نفس است. این در حالی است که خواجه قسم نخست را تواضع در برابر شرع دانسته است. این بدان سبب است که مرتبه عوامی که خواجه بیان می‌کند، عوام از اهل سلوک است و مرتبه عوام در بیان *ابن‌پاقودا* عوام از مردمان است.

خواجه تمسک به شرع، برادری، ادای حقوق و پذیرش عذرخواهی دیگران، عبادت مطابق شرع و رهایی یافتن از نفس را اسباب نیل به درجات گوناگون تواضع دانسته، اما *ابن‌پاقودا* معتقد است: راه کسب تواضع «تفکر» است؛ اینکه انسان به مبدأ پیدایش خود - که خون و منی بوده است - فکر کند، به ناتوانی‌اش در مقابل رنج‌های دنیوی، به مرگ و جایگاهش در قبر، کوتاهی‌اش در طاعت خدا و دوری از شریعت، آگاهی خداوند بر ظواهر و بواطن، و در کیفیت دگرگونی احوال خَلق و مجازات اهل تافخر بیندیشد (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۷۷-۲۸۲).

از نظر *ابن‌پاقودا* متواضع باید عالم بالله و صفات او باشد؛ عقل، نقل و شرع را بشناسد و به کتاب خدا آگاه باشد، دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده، نیکو رفتار، صادق، کم‌سخن ولی خوش‌گفتار، با گذشت، قانع و بردبار باشد، در همه

شئون فروتن و در امر آخرت خود کوشا باشد (همان، ص ۲۸۳-۲۸۶). بر خلاف این، خواجه در درجه نخست تواضع، بر عمل شرعی و تعبدی تأکید می‌نمود و از علم عقلی تبری می‌جست.

ابن‌پاقودا - چنان‌که پیش‌تر اشاره شد - اکتفا به نقل را برای کسی که از قوه عقل و تمییز برخوردار است، نپذیرفته (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۹) و در این باب نیز بر فهم عقلی در کنار دیگر اقسام و ابزار شناخت تأکید نموده است.

۳-۵. اعتبارسنجی تواضع

ابن‌پاقودا درباره اعتبارسنجی و بررسی صحت تواضع نیز بحث نموده و بر این باور است که در مواضعی می‌توان تواضع شخص را محک زد:

۱. هنگام خشم؛

۲. وقتی آسیبی به او برسد؛

۳. وقتی خبری به نیکی یا بدی از او منتشر شود؛

۴. وقتی از نعمت فراوان خداوند برخوردار گردد؛

۵. وقتی مورد سرزنش و عتاب الهی قرار گیرد.

به نظر *ابن‌پاقودا* واکنش شایسته شخص در هریک از این مواضع، بیانگر صحت تواضع اوست (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۸۸-۲۹۰). به نظر *ابن‌پاقودا*، فضایل تابع «تواضع» هستند و این صفت مبدأ و رأس همه آنهاست، به گونه‌ای که شخص غیرمتواضع هیچ فضیلتی ندارد (همان، ص ۲۹۱-۲۹۲).

همچنین معتقد است: عجب انسان در امور مادی نافی تواضع است، ولی در فضایل روحانی وقتی شخص از تفاخر و خودبزرگ‌بینی مأموم رها شده، به شکر خدا و تواضع بپردازد، منافاتی بین آنها نیست (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۲۹۳-۲۹۴). اما به نظر خواجه تواضع مبتدی وقتی درست می‌شود که وظایف شرعی را از روی تعبد انجام دهد، نه از روی تعقل.

۳-۶. فواید تواضع

ابن‌پاقودا قناعت به روزی، صبر در برابر بلا و محبت مردم را از فواید دنیوی تواضع برشمرده، و دستیابی به علم، توفیق در عبادت و قبولی اعمال را از ثمرات اخروی آن ذکر نموده است (همان، ص ۲۹۶-۲۹۸). این بحث در سخنان خواجه وجود ندارد.

۳-۷. مرتبه تواضع و مبانی سلوک عرفانی دو عارف در آن

بنای *خواجه عبدالله انصاری* در تنظیم *منازل السائرین* بر دو پایه کتاب و نقل است (ر.ک: خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۹). خواجه در این باب، به یک آیه از قرآن کریم توجه دارد. او در مقدمه منزل «تواضع»، به بخشی از آیه ۶۳ سوره مبارکه «فرقان» استشهد می‌کند: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»؛ و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند. در واقع نخستین توصیفی که در آیات این سوره از «عباد الرحمن» شده، تواضع و نفی کبر و عجب است که در تمام اعمال انسان و حتی در کیفیت راه رفتن او آشکار

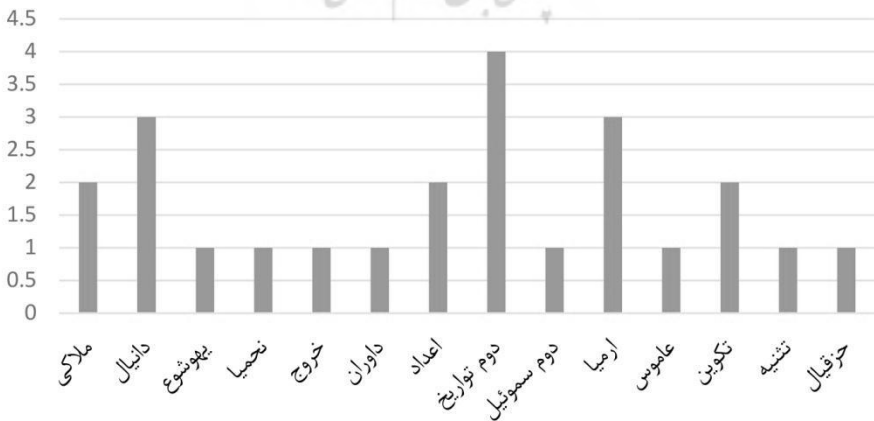
می‌شود؛ زیرا ملکات اخلاقی همیشه خود را در لابه‌لای اعمال، گفتار و حرکات انسان نشان می‌دهند، تا آنجا که از چگونگی راه رفتن یک انسان می‌توان با دقت و موشکافی به قسمت قابل توجهی از اخلاق او پی‌برد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۴۷). البته خواجه در توضیحات این منزل، برخلاف بسیاری دیگر از منازل، از نقل یا روایتی استفاده نکرده است.

در سوی دیگر، *ابن‌پاقودا* - که بنیان سلوک خود را بر عقل، نقل و کتاب مقدس قرار داده است (ابن‌پاقودا، ۲۰۱۰، ص ۱۹)، در این باب نیز به این سه بنیان توجه خاص دارد، ضمن آنکه از منابع اسلامی نیز استفاده نموده است. *ابن‌پاقودا* راه کسب تواضع را تفکر اعلام نموده، در شرح این باب، از براهین عقلی استمداد جسته و به استفاده از کتاب مقدس نیز توجه خاص داشته است. نمودار ذیل که در دو قسمت ارائه شده است، فراوانی آیات کتاب مقدس در این باب را به خوبی به نمایش می‌گذارد:

شکل ۱: نمودار فراوانی آیات کتاب مقدس در باب «تواضع» الهدایه، (قسمت اول)



شکل ۲: نمودار فراوانی آیات کتاب مقدس در باب «تواضع» الهدایه، (قسمت دوم)



همان گونه که از نمودار برمی آید، سه کتاب «مزامیر»، «امثال» و «اشعیاء»، در این باب از کاربرد بالایی برخوردارند. به عقیده یهود، مزامیر داود (تهیلیم) که *ابن یاقودا* در تبیین باب «تواضع» از آن بیشترین استفاده را در میان اسفار کتاب مقدس نموده، حاصل فیضی از سوی خداوند است که آن را «روح هقودش» می نامند و بر این اساس، این کتاب حکمت آمیز جزو «کتوبیم»، یعنی «با الهام نوشته شده» های عهد عتیق است (مزامیر داود، ۱۳۸۹، ص ۶).

ابن یاقودا در این باب، به داستانی از حضرت عیسی علیه السلام و سخن او خطاب به حواریان اشاره می کند. همچنین روایتی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ایشان را «بعض الصالحین» نامیده، آورده است:

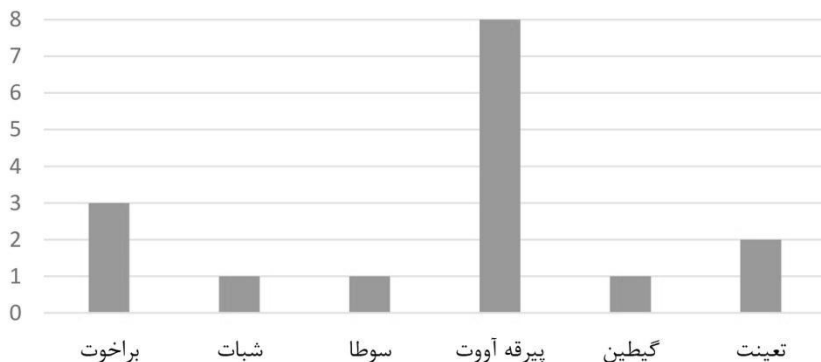
شکل ۳: نمودار فراوانی نقل از منابع غیریهودی در باب «تواضع» الهدایة



چنان که پیداست، *ابن یاقودا* به منابع برون دینی، از جمله منابع اسلامی و مسیحی توجه داشته و در این باب از *الهدایة* نیز در جای جای اثر خود، از آن مراجع اقتباس نموده است. بی پروایی عارف یهودی در اخذ از منابع غیر خودی، به ویژه به عنوان شاهد و مثال - در حالی که شریعت یهود را برترین شریعت می داند - (*ابن یاقودا*، ۲۰۱۰، ص ۳۴۳) گویای این نکته است که برای وی غنابخشی و پربار کردن مباحث سلوکی مهم بوده است، نه اینکه گوینده چه کسی و از پیروان کدام ادیان باشد.

ابن یاقودا در این باب از گفتار علمای یهود نیز استفاده کرده است:

شکل ۴: نمودار فراوانی فقرات تلمود در باب «تواضع» (الهدایة)



همان گونه که معلوم است، رساله حکمی - اخلاقی *پیرقه آووت (Pirkei avot)* - به معنای «فصول پدران» که مرکب از جملات قصار حکیمانه و اخلاقی است - بیشترین فراوانی را در میان رساله‌های مورد استفاده *ابن یاقودا* در *تلمود* را به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری

۱. نقطه اشتراک آراء *ابن یاقودا* و *خواجه عبدالله انصاری* آن است که هر دو در تعریف فضیلت انسانی «تواضع» بر مفهوم «خود را کوچک نشان دادن» تأکید دارند، هرچند *خواجه آن* را در برابر بزرگی حق و *ابن یاقودا* آن را مقدمه اظهار توحید می‌داند.

اما مهم‌ترین اختلاف دو عارف آنجاست که *ابن یاقودا* راه حصول تواضع را اندیشه دانسته و اکتفای به علم نقلی برای صاحب قوه تمییز را نمی‌پذیرد، اما *خواجه علم عقلی* را انکار نموده و بر عمل تعبدی تأکید ورزیده است. *ابن یاقودا* در بیان درجات تواضع، قسم نخست را مختص عوام و جهال دانسته و آن را گونه‌ای از ضعف نفس برشمرده که به علت ضعف معرفت و قوه تمییز درباره آن اقدامی نمی‌شود؛ اما *خواجه* با تأکید بر علم منقول شرعی، تواضع عام را تواضع در برابر شرع معرفی می‌کند، به گونه‌ای که عقل با آن معارضه ننماید.

۲. هر دو عارف بنیان سلوکی خود در باب «تواضع» را بر مبانی درون دینی خود استوار نموده‌اند. در این میان، تصریح عارف یهودی در استفاده از عقل و بهره‌برداری از منابع اسلامی قابل توجه است. البته در مقایسه فراوانی استشهاد وی بر کتاب و نقل با عارف مسلمان، باید به‌طور خاص به هدف دو عارف از نگارش این دو کتاب نیز توجه داشت.

خواجه عبدالله انصاری منازل السائرین را در پاسخ به خواهش مریدان که از او نگارش کتابی جامع و در عین حال مختصر در شناخت منازل سلوک و فروع آن درخواست کرده بودند، به رشته تحریر درآورد. بنابراین مخاطب *منازل السائرین* با کلیات سیر و سلوک آشناست و خود خواستار ایجاز و اختصار است.

اما در سوی دیگر، *بحیابین یاقودا* ضمن انتقاد از انحصار یهود در التزام به رعایت ظواهر احکام شرعی (فرائض جوارح)، جامعه یهود را به سلوک معنوی (فرائض قلوب) توجه می‌دهد و آن را مستند به شریعت و اسباب آن (کتاب، عقل و نقل) می‌داند. بر این اساس، *الهدایه* اثری مفصل با مخاطبی فراگیر است که *ابن یاقودا* با استناد و استشهاد به منابع متنوع و فراوان یهودی و غیریهودی، در قالب کتابی گسترده تنظیم نموده است.

- قرآن کریم، ۱۳۸۰، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کتاب مقدس، بی تا، ترجمه عصر جدید، نسخه آنلاین در تارنمای <https://www.bible.com>
- ابن یاقودا، بحیی بن یوسف، ۲۰۱۰م، *الهدایة الی فرائض القلوب و التنبیه الی لوازم الضمان*، تحقیق احمد شحلان، رباط، دار ابی رقریق للطباعة و النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۹ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوطالب مکی، محمد بن علی، ۱۳۸۱، *قوت القلوب فی معاملة المحبوب و وصف طریق المرید الی مقام التوحید*، قاهره، مکتبه دارالتراث.
- اسعدی، سوده، ۱۳۹۱، *بررسی مبنای قرآنی منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشکده علوم حدیث.
- انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۷۳، *شرح عبدالرزاق کاشانی بر منازل السائرین*، تصحیح علی شیروانی، تهران، الزهراء.
- بقلی، روزبهان بن ابی نصر، ۱۹۷۳م، *کتاب مشرب الارواح و هو المشهور بهزارویک مقام (بألف مقام)*، استانبول، کلیه الادب.
- تلمسانی، عقیف الدین، ۱۳۷۱، *شرح منازل السائرین*، تحقیق عبدالحفیظ منصور، قم، بیدار.
- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جعفری، حسین علی و طاهره حاج ابراهیمی، ۱۴۰۰، «اندیشه‌های عرفانی - اخلاقی ابن یاقودا و غزالی با تأکید بر دو اثر الهدایة الی فرائض القلوب و احیاء علوم الدین»، *پژوهشنامه ادیان*، سال پانزدهم، ش ۲۹، ص ۱۴۹-۱۷۵.
- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۶، *جستاری در عرفان نظری و عملی*، قم، بوستان کتاب.
- خیاطیان، قدرت‌الله و همکاران، ۱۳۹۹، «بررسی تطبیقی زهد از نگاه خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین و بحیی بن یاقوده در الهدایة الی فرائض القلوب»، *معرفت ادیان*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۴۳-۵۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۷ق، *کتاب الذریعة الی مکارم الشریعة*، قم، شریف الرضی.
- روزبهانی، محمد، ۱۳۹۱، *سیر سالک عرفان عملی و رسیدن به خدای متعال*، قم، آوای منجی.
- سلمی، محمد بن حسین، ۱۳۶۹، *مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی: بخش‌هایی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر*، گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شیر، عبدالله، ۱۹۶۳م، *الاخلاق*، نجف، مطبعة النعمان.
- شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الاخبار*، قم، رضی.
- صدرالمثالیین، ۱۳۸۳، *شرح اصول الکافی*، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طارمی، صفی‌الدین محمد، ۱۳۷۷، *انیس العارفين*، تحقیق علی اوجبی، تهران، روزنه.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۷۱، *احتجاج*، شرح و ترجمه احمد غفاری مازندرانی، تهران، مرتضوی.
- علم‌الهدی، علی بن حسین، ۱۴۰۵ق، *رسائل الشریف المرتضی*، به کوشش مهدی رجائی، قم، دارالقرآن الکریم.
- غزالی، ابوحامد، ۱۴۰۶ق، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالمعرفه.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، امیرالمؤمنین.
- کاشانی، عبدالرزاق، ۱۳۸۵، *شرح منازل السائرین*، تحقیق محسن بیدارفر، قم، بیدار.
- کاشانی، عزالدین محمود، ۱۳۸۱، *مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة*، مقدمه، تصحیح و توضیحات عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران، زوار.
- کلاباذی، ابوبکر، ۱۴۰۷ق، *التعرف لمذهب اهل التصوف*، دمشق، دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مزامیر داوود*، ۱۳۸۹، ترجمه فاضل خانی، مقدمه سلیمان حکاکیان، تهران، انجمن کلیمیان.

- مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد، ۱۳۶۳، شرح التعرف لمذهب التصوف، تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۹۱، شرح منازل الساترین، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۳۷۸، معراج السعادة، قم، هجرت.
نیسابوری مقری، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الحدود: المعجم الموضوعی للمصطلحات الكلامیه، تحقیق محمود یزدی مطلق، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، بی تا، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم، مكتبة الفقيه.

Danby, Herbert, 1933, *The Mishnah*, Oxford University Press.

Lobel, Diana, 2007, *A Sufi-Jewish Dialogue Philosophy and Mysticism in Bahya ibn Paquda's "Duties of the Heart"*, University of Pennsylvania Press.

Luzzatto, Moses Hayyim, 1948, *The Path of the Upright*. Ed. Mordecai Kaplan, Philadelphia, The Jewish Publication Society of America.

Nelson, Daniel M, 1985, "The Virtue of Humility in Judaism: A Critique of Rationalist Hermeneutics", *The Journal of Religious Ethics*, V. 13, N. 2, p. 298-311.

